

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده الهیات

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

# معیار شناخت از نظر صدر المتالیهین و دکارت

استاد راهنما:

دکتر مهدی منفرد

نگارنده:

مهدی علی پور

مهر ۹۳

ای زازل تا به ابد ماندگار  
ای زتو افلاک شده برقرار  
نام تو را زینت دفتر کم  
شکر تو را نیز هزاران هزار

تقدیم به:

پدرو مادر عزیزم که همواره دعایشان، بدرقه راه زندگیم و سرمایه جاودان من خواهد بود.  
استاد ارجمندم جناب آقای دکتر مهدی منتقد که شوق پرواز کردن را به من

آموخت.

همسر مهربانم که عشق و امدار صبح روشن زندگی من است.

پاس

## تقدیر و تشکر:

حمد و سپاس خدای را که توفیق فهم و اندیشه را به انسان عطا فرمود. در این جا بر خود لازم می‌دانم از تمامی اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده‌اند تقدیر و تشکر نمایم. از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر مهدی منفرد که راهنمایی این جانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان‌نامه تقبل نموده‌اند، نهایت تشکر و سپاسگذاری را دارم. در پایان نیز تشکر و امتنان خویش را از، دوستان فرهیخته آقایان حسام الدین مومنی شهرکی، حسین قاسمی، سجاد امیرخانی و مجتبی تصدیقی شاهرضایی اعلام می‌دارم.

## چکیده:

معرفت، از مباحث اصلی تفکر فلسفی بوده و از قدیم مورد توجه فیلسوفان قرار گرفته است. در این مسیر از شروع تفکر عقلی تا کنون همه دانشمندان به نحوی نگرشی معرفتی درباره همه امور از جمله خدا، جهان، و انسان داشته اند. از جمله فیلسوفانی که به این مهم پرداخته اند و معرفت از مباحث عمده فلسفه آن ها به شمار می رود، صدرالمتالهین و دکارت هستند. در این تحقیق بیان معیار شناخت از نظرگاه صدرالمتالهین و دکارت مورد توجه قرار گرفته است. صدرالمتالهین قائل به امکان شناخت است و معیار آن را در دو حوزه علم حصولی و حضوری بررسی می کند و بر این عقیده است که ما یک سری قضایا را به نحو بدیهی درک می کنیم و نیازی به شک در آن ها نیست، وی از آن جای که قائل به امکان شناخت است، مکانیزم آن را هم بیان می کند. صدرالمتالهین معیار شناخت در علم حضوری را بدیهی می داند و معیار شناخت در علم حصولی را مطابقت با واقع مطرح می کند، هم چنین رنه دکارت هم قائل به امکان معرفت است و معیار آن را در دو حوزه علم حضوری و حصولی بررسی می کند و بر این عقیده است که در همه چیز باید شک کرد. دکارت معرفت خود را از شک شروع می کند و چون خداوند را اساس شناخت مطرح می کند (شهود) معیار قضایای فطری یا حضوری را وضوح و تمایز می داند، و هم چنین معیار شناخت در علم حصولی را مطابقت با واقع بیان می کند. مؤلف در این راستا به تبیین دقیق و موجز نظریه‌ی معیار شناخت صدرالمتالهین و دکارت در چهار فصل که عبارت اند از: فصل اول کلیات، فصل دوم شناخت و معیار شناخت از نظر صدرالمتالهین، فصل سوم شناخت و معیار شناخت از نظر دکارت، فصل چهارم تطبیق نظرات پرداخته است.

## کلید واژه‌ها :

شناخت، شناخت‌شناسی، معیار شناخت، صدرالمتالهین، دکارت.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۲	الف- زندگی نامه صدرالمتالهین:
۲	ب- آثار صدرالمتالهین:
۳	الف- زندگی نامه دکارت:
۴	ب- آثار دکارت:
۵	<b>فصل اول: کلیات</b>
۶	۱-۱ بیان مساله
۶	۱-۲ اصطلاح شناسی
۷	۱-۳ تاریخچه معرفت شناسی
۹	۱-۴ اهمیت و ضرورت پژوهش
۹	۱-۵ سوال های اصلی پژوهش
۱۰	۱-۶ فرضیه های پژوهش
۱۰	۱-۷ سابقه و پیشینه پژوهش
۱۱	۱-۸ روش تجزیه و تحلیل دادهها
۱۲	<b>فصل دوم: شناخت از نظر صدرالمتالهین</b>
۱۳	۱-۲ گفتار اول: هستی شناسی معرفت
۱۳	۱-۲-۱ اچستی معرفت
۱۵	۱-۲-۲ صورت مطابق معلوم
۱۶	۱-۲-۳ ظهور علم
۱۶	۱-۲-۴ وجودشی
۱۸	۲-۲ گفتار دوم: امکان معرفت
۱۹	۱-۲-۲ شواهد امکان معرفت
۲۱	۲-۲-۲ دلایل امکان معرفت از نظر صدرا:
۲۱	۱-۲-۲-۱ فرایند معرفت
۲۱	۲-۲-۲-۲ تعالی نفس
۲۲	۳-۲-۲-۲ تطابق ذهن و عین

۲۳	..... ۳-۲-۲ منکران معرفت
۲۳	..... ۱-۳-۲-۲ سوفیست ها
۲۵	..... ۲-۳-۲-۲ شک گرایان
۲۸	..... ۳-۲ گفتار سوم: اقسام معرفت
۲۸	..... ۱-۳-۲ عوالم ثلاثه
۲۹	..... ۲-۳-۲ حرکت جوهری و تعالی نفس
۲۹	..... ۳-۳-۲ علم حضوری
۳۱	..... ۴-۳-۲ علم حصولی
۳۱	..... ۴-۲ گفتار چهارم: مکانیزم کسب معرفت
۳۱	..... ۱-۴-۲ منشاء معرفت حضوری
۳۴	..... ۵-۲ گفتار پنجم: ارکان معرفت
۳۴	..... ۱-۵-۲ عالم
۳۵	..... ۱-۱-۵-۲ عقل نظری و عملی
۳۶	..... ۲-۱-۵-۲ اتحاد عقل نظری و عقل عملی
۳۶	..... ۳-۱-۵-۲ مراتب عقول
۳۶	..... ۱-۳-۱-۵-۲ عقل هیولای
۳۷	..... ۲-۳-۱-۵-۲ عقل بالملکه
۳۷	..... ۳-۳-۱-۵-۲ عقل بالفعل
۳۸	..... ۴-۳-۱-۵-۲ عقل مستفاد
۳۹	..... ۲-۵-۲ علم
۳۹	..... ۳-۵-۲ معلوم
۴۱	..... ۶-۲ گفتار ششم: اتحاد عاقل و معقول
۴۱	..... ۱-۶-۲ براهین اتحاد عاقل و معقول
۴۲	..... ۱-۱-۶-۲ برهان تضایف
۴۲	..... ۲-۱-۶-۲ برهان استکمال نفس
۴۳	..... ۷-۲ گفتار هفتم: منابع معرفت
۴۳	..... ۱-۷-۲ عالم و طبیعت
۴۳	..... ۲-۷-۲ قرآن کریم
۴۳	..... ۳-۷-۲ عالم مثال
۴۴	..... ۴-۷-۲ عالم عقل
۴۴	..... ۵-۷-۲ وحی

## ۴۶ ..... معیار شناخت از نظر صدرالمتالهین

۴۷ ..... ۸-۲ گفتار هشتم: تئوری صدق

۴۸ ..... ۱-۸-۲ چیستی صدق

۴۹ ..... ۱-۸-۲ چیستی صدق در نظر صدرالمتالهین

۵۰ ..... ۲-۸-۲ ماهیت صدق

۵۰ ..... ۳-۸-۲ ملاک صدق

۵۱ ..... ۹-۲ گفتار نهم: معیار شناخت

۵۲ ..... ۱-۹-۲ گزاره‌های پایه (بدیهیات)

۵۵ ..... ۱-۹-۲ اولیات

۵۵ ..... ۲-۹-۲ مشاهدات

۵۵ ..... ۳-۹-۲ مجربات

۵۶ ..... ۴-۹-۲ حدسیات

۵۶ ..... ۵-۹-۲ متواترات

۵۶ ..... ۶-۹-۲ فطریات

۵۷ ..... ۲-۹-۲ شرایط کسب معرفت

۵۷ ..... ۱-۲-۹-۲ تسویه نفس

۵۸ ..... ۲-۲-۹-۲ تقوا

۵۸ ..... ۳-۹-۲ شناخت موانع کسب معرفت

۵۸ ..... ۱-۳-۹-۲ مظنونات

۵۸ ..... ۲-۳-۹-۲ مشهورات

۵۸ ..... ۳-۳-۹-۲ مخیلات

۵۸ ..... ۴-۳-۹-۲ وهمیات

۵۸ ..... ۵-۳-۹-۲ مشبهات

۵۹ ..... نتیجه گیری:

## ۶۰ ..... فصل سوم: شناخت از نظر دکارت

۶۱ ..... ۱-۳ گفتار اول: امکان شناخت از دیدگاه دکارت

۶۴ ..... ۱-۱-۳ منکران معرفت

۶۶ ..... ۲-۱-۳ شک دکارت

۶۸ ..... ۱-۲-۱-۳ متعلقات شک دکارت

۶۸ ..... الف) شک در محسوسات

۶۹ ..... ب) شک در ریاضیات

۶۹ ..... ج) شک در وجود خویش

۷۰ ..... د) شک در عالم خارج



۷۰	..... شک در وجود خداوند
۷۴	..... ۲-۳ گفتار دوم: مکانیزم شناخت از نظر دکارت
۷۴	..... ۱-۲-۳ مبدأ معرفت
۷۵	..... ۲-۲-۳ وضوح و تمایز
۷۵	..... ۳-۲-۳ علم حضوری
۷۶	..... ۴-۲-۳ علم حصولی
۷۷	..... ۵-۲-۳ نفس و بدن
۷۸	..... ۳-۳ گفتار سوم: اثبات سلسله موجودات
۷۸	..... ۱-۳-۳ اثبات خداوند
۷۹	..... ۲-۳-۳ اثبات سایر موجودات
۸۰	..... ۴-۳ گفتار چهارم: قوای معرفت
۸۲	..... ۵-۳ گفتار پنجم: تصورات فطری
۸۳	..... ۶-۳ گفتار ششم: روشهای کسب معرفت
۸۴	..... ۱-۶-۳ شهود
۸۵	..... ۲-۶-۳ استنتاج
۸۵	..... ۱-۲-۶-۳ قاعدهی تحلیل
۸۶	..... ۲-۲-۶-۳ قاعدهی ترکیب
۸۶	..... ۳-۲-۶-۳ قاعدهی استقصاء
۸۷	..... ۷-۳ گفتار هفتم: منابع معرفت
۸۸	..... ۱-۷-۳ ابزار معرفت
۸۸	..... ۲-۷-۳ قلمرو معرفت
۸۹	..... <b>معیار شناخت از نظر دکارت</b>
۹۰	..... ۸-۳-۱ گفتار هشتم: معیار و ارزش شناخت از دیدگاه دکارت
۹۰	..... ۱-۸-۳ تنوری صدق
۹۰	..... ۲-۸-۳ خدا اساس شناخت
۹۲	..... ۳-۸-۳ وضوح و تمایز
۹۴	..... ۴-۸-۳ روش صحیح
۹۵	..... ۵-۸-۳ شهود (بدیهیات)
۹۵	..... ۱-۵-۸-۳ فطریات

۹۶.....	۳-۹ گفتار نهم: شرایط و موانع معرفت
۹۶.....	۳-۹-۱ ابزار معرفت
۹۶.....	۳-۹-۱-۱ شناخت عوامل خطا
۹۸.....	نتیجه گیری:
<b>۹۹.....</b>	<b>فصل چهارم:</b>
۱۰۰.....	۴-۱ گفتار اول: چیستی صدق در نظر صدر و دکارت
۱۰۱.....	۴-۲ گفتار دوم: معیار شناخت از نظر صدر المتالهین و دکارت در
۱۰۱.....	قضایای بدیهی (حضوری)
۱۰۲.....	۴-۳ گفتار سوم: معیار شناخت در علم حصولی
۱۰۳.....	۴-۴ گفتار چهارم: شناخت عوامل خطا
۱۰۳.....	۴-۵ تطبیق معیارها
۱۰۴.....	۴-۶ شناخت عوامل خطاها
۱۰۴.....	نتیجه گیری:
۱۰۵.....	نتیجه گیری نهایی:

## مقدمه

ما در این مقدمه به چند نکته اشاره می‌کنیم:

۱. هنگامی که انسان با جهان پیرامون خود، رابطه برقرار می‌کند دارای حالتی می‌شود که آن را علم و ادراک می‌نامند، وقتی تصویری از چیزی نداریم حالت ما منفی است و جهل نام دارد، هنگامی که تصویر یا تصویرهای از اشیا در ذهن داریم که ما را با آن‌ها مرتبط می‌سازد، حالت ما اثباتی است که در این صورت علم یا ادراک نامیده می‌شود.

اولین پرسش بشر، آن است که آیا می‌توان به اموری، علم و یقین پیدا کرد؟ یعنی با توجه به این که ابزار علم، حس و عقل است و این دو نیز در مواردی دچار اشتباه می‌شوند، آیا می‌توان به آگاهی و شناخت، اعتماد کرد یا این که منطقی‌ترین کار، این است که در همه‌ی آن‌چه تاکنون یقین داشته‌ایم، شک کنیم. در این امر، تردیدی نیست که انسان در پی رسیدن به واقع و درک حقیقت است؛ یعنی می‌خواهد واقعیت را چنان که هست، بشناسد.

بی‌شک همه انسان‌ها، همیشه به واقعیت نمی‌رسند و در بعضی موارد، گرفتار خطا و اشتباه می‌شوند، مشاهده سراب، شکستگی چوب در آب و آشکار شدن خطاهای مختلف در علوم و مکاتب، سبب پیدایش احتمال وجود خطا در همه علوم شده است، یعنی گفته می‌شود از کجا مطمئن باشیم که علوم ما، فاقد خطا و اشتباه نیست؟

با توجه به این که شناخت و معرفت‌شناسی در زندگی انسان نقش بسیار مهمی بر عهده دارد و همه‌ی حالت‌های انسان براساس معرفتش از امور است، دست‌یابی به معیار شناخت برای انسان، اهمیت ویژه‌ای دارد تا به شناخت درست از نادرست نائل گردد.

ذهن ما، حالت نقش‌پذیری دارد و این نقش‌ها انسان را از اشیا و وقایع آگاه می‌سازد. از سوی دیگر انسان به خود درد، رنج و شادی‌اش نیز آگاه است و این آگاهی بی‌هیچ واسطه و نقشی، شکل می‌گیرد.

با توجه به این که در معرفت‌شناسی در پی شناخت صحیح و معیار علم و شناخت واقعی هستیم و توانای‌های عقل بشر را مورد مطالعه قرار می‌دهیم، می‌توان شناخت‌شناسی (معرفت‌شناسی) را چنین تعریف

کرد: شناخت انواع معرفت انسانی، مبادی، ابزار و معیار ارزش یابی آن، هسته مرکزی آن عبارت است از: تبیین توانای عقل در رسیدن به واقع<sup>۱</sup>.

۲. ما بر آنیم تا در این پژوهش به بیان معیار شناخت از نظر دو فیلسوف، یکی شرقی و دیگری غربی پردازیم تا توانای های عقل بشر برای رسیدن به شناخت حقیقی را بررسی نماییم.

## الف - زندگی نامه صدرالمتالهین:

صدرالدین محمد فرزند ابراهیم، معروف به ملاصدرا و صدرالمتالهین در سال ۹۷۹ هجری قمری در شیراز متولد شد. وی نزد دو تن از برجسته ترین عالمان زمان؛ شیخ بهاء الدین عاملی معروف به «شیخ بهائی»<sup>۲</sup> و «میر داماد»، ادامه تحصیل داد و علوم نقلی را نزد شیخ بهائی و علوم عقلی را نزد میرداماد فرا گرفت، صدرالمتالهین شاگردان را پروراند و کتاب های ارزشمندی را تالیف نمود، که بعدها محور اساسی در تعلیم فلسفه الهی در حوزهای شیعه شدند.

صدرالمتالهین شیرازی حکیمی، بلند آوازه و موسس حکمتی جامع مکاتب پیش از خود است، حکمت ایشان مباحث گسترده خداشناسی، هستی شناسی، انسان شناسی و معرفت شناسی را با عمق و دقت بسیار کاویده است. ایشان از رهگذر تلاش ها و تحقیقات و تبعیت کامل از دستورات دین به کشف و اثبات معارف بلندی، نایل گشته است. این حکیم بزرگ بنا بر قولی در ۱۰۵۰ در راه بازگشت از حج درگذشت.

## ب - آثار صدرالمتالهین:

از صدرالمتالهین بیش از چهل اثر، بر جای مانده است که همگی از ارزش فراوانی برخوردار هستند. برخی از مهم ترین آثار وی عبارت اند از:

۱- الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه، معروف به اسفار که مهم ترین کتاب ملاصدرا است.<sup>۳</sup> که در نه جلد به چاپ رسیده است و مشتمل بر چهار سفر است.

<sup>۱</sup> . عبدالله جوادی آملی، معرفت شناسی در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۷۹.

<sup>۲</sup> . ۹۵۳ ق.

<sup>۳</sup> . جوادی آملی، ریحیق مختوم، قم، اسراء، بخش اول از جلد یکم، ص ۴۷.

- ۲- الشواهد الربوبیه فی منهاج السلوکیه؛ که در بر دارنده خلاصه آرای صدرالمতالهین است و از جهت جامعیت، بر مبنای و آرای فلسفی عمیق، بی نظیر است.<sup>۱</sup>
- ۳- المبدء والمعاد، مشتمل بر دو فن است: فن اول «ربوبیات» و فن دوم «معاد».
- ۴- تعلیقات بر الاهیات شفای ابن سینا.<sup>۲</sup>
- ۵- المشاعر، در بردارنده مباحث وجود و اثبات اصالت وجود و اعتباریت ماهیت.
- ۶- مفاتیح الغیب.
- ۷- شرح اصول کافی.

سخن از معرفت شناسی در دایره حکمت اسلامی به دو شاخه عمده، منشعب می شود؛ نخست بحث از احکام هستی شناسی معرفت، دوم سخن از واقع نمای آن برای عالم، بر اساس این به بیان شناخت و معیار شناخت از نظر دو فیلسوف یکی صدرالمتالهین و دیگری دکارت خواهیم پرداخت.

۳. دکارت فیلسوفی غربی در فضای فکری آکنده از تشنگی و تشکیک، قد علم می کند<sup>۳</sup> تا بساط تشویش ها و اضطراب ها را برچیند و یقین برون آمده از دل شک را برای همیشه بر جریان اندیشه‌ی انسان حاکم کند این مهم ترین و حیاتی ترین دغدغه‌ی فلسفه‌ی دکارت است و به همین دلیل به خطا نرفته ایم اگر او را فیلسوف معرفت بدانیم. فیلسوفی که با مطرح کردن مباحث و مسائلی جدید، جریان اندیشه‌ی پس از خویش را سخت درگیر خود ساخت و به عنوان نقطه‌ی عطفی بین فلسفه‌ی قبل و بعد از خود به حساب می آید.

## الف- زندگی نامه دکارت:

رنه دکارت در لاهه از شهرهای کوچک فرانسه، در سال ۱۵۹۶ متولد گردید پدرش از قاضیان متوسط بود، طبع کنجکاو، و محقق او از زمان کودکی نمایان شد و پدرش او را فیلسوف میخواند. دوره تحصیل آن زمان را در مدرسه لافلش که «ژزوئیت ها» آن را اداره می کردند در هشت سال طی کرد، چندی هم به علم

<sup>۱</sup>.. سید جلال الدین آشتیانی، شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرا، قم، بوستان کتاب، ص ۲۶۲.

<sup>۲</sup>.. استاد آشتیانی در این باره می نویسد: این تعلیقات بر شفا از شفا به مراتب متقن تر و تحقیقی تر است و از شفا بهتر است. سید جلال الدین آشتیانی،

شرح حال آرای فلسفی ملاصدرا، ص ۲۵۴.

<sup>۳</sup>.. احمد، احمدی، پیرامون فلسفه دکارت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۱۷.

حقوق و طب پرداخت و چون به بیست رسید، متوجه به نقص تربیت علمی خویش گردید، و بنا بر جهانگردی گذاشت.<sup>۱</sup>

## ب- آثار دکارت:

ازمهم ترین آثار دکارت عبارتند از:

۱- گفتار در روش راه بردن عقل

۲- تاملات در فلسفه اولی

۳- اصول فلسفه

پس از دکارت، فلسفه‌ی غربی، بسیار نزدیک به شناخت‌شناسی شده است و شاید اگر بگوییم تبدیل به شناخت‌شناسی شده است، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. بر اساس این باید دانست که ارزش دکارت در فلسفه‌ی غربی جدید، و به خصوص معرفت‌شناسی جدید، بسیار حائز اهمیت و ارزش‌مند است تا جایی که برخی صاحب نظران حوزه‌ی اندیشه، وی را پدر فلسفه‌ی جدید و مسبب مدرنیته معرفی می‌کنند.

نکته‌ای که توجه به آن دارای اهمیت است این است که فلاسفه‌ی غربی بر خلاف فلاسفه‌ی مسلمان، در مباحث شناخت‌شناسی خویش، التفات چندانی به حوزه‌ی هستی‌شناسی معرفت نکرده‌اند و به حیث حکایت‌گری معرفت توجه نموده‌اند. دکارت نیز از این قاعده مستثنا نیست و هستی‌شناسی شناخت را نادیده گرفته است.<sup>۲</sup>

نگارنده بر آن عقیده است که یکی از راه‌های رشد و بالندگی تمدن نوین اسلامی، طرح چنین مباحثی است که ضمن انتخاب مسائل فلسفه شرق و غرب به بیان و تطبیق آن‌ها پرداخته و از این طریق نقاط قوت تمدن اسلامی را بیشتر نشان دهیم.

---

<sup>۱</sup>. محمد علی فروغی، سیر حکمت در اروپا، تهران، زوار، ۱۳۷۵، ص ۱۲۲.

<sup>۲</sup>. احمد، احمدی، پیرامون فلسفه دکارت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۲۰.

# فصل اول: کلیات

## ۱-۱ بیان مساله

برای متفکرین و فلاسفه‌ی اسلامی، ضروری است که جهت رشد، بالندگی، پویایی و شکل‌گیری فلسفه‌ی نوین اسلامی و به تبع آن، ایجاد تمدن نوین اسلامی، به مطالعه، بررسی و نقد اندیشه‌های موجود در مکاتب فلسفه‌ی غربی به خصوص نظریات شناخت‌شناسی آنان بپردازند.

مساله معیار شناخت از جمله مسائل مهم در زندگی بشر است، صدرالمتهلین اگر چه در مورد مساله شناخت و معیار آن به صراحت سخن نگفته اند، اما نظرات ایشان در لابه لای آراء و آثارشان نهفته است و پایه اساسی بسیاری از مسائل، از جمله سیر نفس را تشکیل می دهد و همین طور نظریه‌ی شناخت دکارت از جمله مهم‌ترین و حساس‌ترین نقاط عطف اندیشه‌ی فلسفی در جهان غرب است که تأثیری شگرف بر تفکر انسان غربی و شرقی گذاشته است. فلسفه‌ی دکارت و به خصوص فلسفه‌ی شناخت او، بیش‌ترین تأثیر را بر فلسفه‌ی جدید غربی و اندیشه‌های موجود در جریان فکری مدرن گذاشته است. بنابراین یکی از مهم‌ترین فلاسفه‌ای که باید نظریه‌ی شناخت‌شان و هم چنین بیان معیار شناخت‌شان مورد توجه قرار گیرد، صدرالمتهلین و دکارت است.

## ۱-۲ اصطلاح‌شناسی

معیار معرفت‌شناسی یا شناخت‌شناسی در لغت به معنای تشخیص معرفت صحیح از ناصحیح است؛ بدین معنا که انسان چگونه می‌تواند به اموری، شناخت پیدا کند که برای او امکان خطا در آن نباشد. در زبان انگلیسی برای مفهوم شناخت سه اصطلاح «Epistemo»، «Theory of knowledge» و «Gnosto»<sup>۱</sup> و در زبان عربی اصطلاح «نظریة المعرفة» وجود دارد.

اصطلاح «Theory of knowledge» که معادل عربی آن «نظریة المعرفة» است با وجود آن که عمری بیش از یک قرن، ندارد اما بیش از واژه نخست، استعمال می‌شود، اصطلاح معیارشناخت هم معادل کلمه «Recognition criteria» است و برای آن تعاریفی بیان کرده اند.

۱- معرفت‌شناسی درباره شناخت‌های انسان و ارزش‌یابی انواع و تعیین معیار صحت و خطای آن‌ها.

<sup>1</sup>Runes, D.D, **The Dictionary of philosophy**,p.94; Burchfield, R.W, **The Oxford EnglishDictionary**,Vol.5,p.338.



۲- معرفت‌شناسی، بخشی از فلسفه است که در آن به علم، باور، شناخت و شرایط آن‌ها می‌پردازند و معرفت‌شناسی نظریه‌ای را جمع به این مفاهیم است.<sup>۱</sup>

۳- معرفت‌شناسی، شاخه‌ای از فلسفه است که به بررسی حقیقت، منابع و اعتبار معرفت می‌پردازد.<sup>۲</sup> پس می‌توان در پایان به تعریف قابل‌قبولی از آن دست یافت:

معرفت‌شناسی عبارت است از: دانشی که از احکام و عوارض معرفت، از آن جهت که وجودی حکایت‌گر است بحث می‌کند و ابزار و منابع و گستره و ارزش آن را بررسی می‌کند.

### ۳-۱ تاریخچه معرفت‌شناسی

اگرچه برخی، معرفت‌شناسی، علمی به ظاهر کم سابقه است؛ اما با توجه به اهمیت آن و این که تمام علوم عقلی و فلسفی، متفرع بر آن است و بر اساس منابع تاریخ علم، فلسفه و...، مشخص می‌شود که در همیشگی تاریخ تفکر بشریت، حضوری بنیادین داشته است.<sup>۳</sup>

تاریخ شروع معرفت‌شناسی را به دوران سوفسطائیان و شک‌گرایان نسبت می‌دهند<sup>۴</sup> و آنان را زمینه‌ساز ظهور انواع مکاتب و اندیشه‌های معرفتی غربی و اسلامی پس از خود دانسته‌اند؛<sup>۵</sup> اما مادامی که انسان با مفهوم هست و نیست آشنا نشده است، نمی‌تواند وجود ادراکات بشری را نفی کند و از طرفی نوع انسان، مفهوم هست و نیست را می‌فهمد و این مسأله‌ای بسیار قدیمی است.

در فلسفه‌ی اسلامی نیز اگرچه از دوران اسحاق کندی تا زمان علامه‌ی طباطبایی، علم مستقلی به نام شناخت‌شناسی وجود ندارد؛ اما مسائل و فصول معرفت‌شناسی در دامن سایر علوم اسلامی مانند منطق، فلسفه، کلام و عرفان مطرح شده است. علامه طباطبایی و شاگردان ایشان با نگاه استقلالی خویش به

---

<sup>۱</sup> محمد لکن‌هاوزن، **نگاهی به معرفت‌شناسی معاصر**، فصلنامه ذهن، شماره ۳، ۱۳۷۹، ص ۷.

<sup>۲</sup> ای. سی. گری لینگ، **نگرش‌های نوین در فلسفه**، یوسف دانشور، قم، مؤسسه فرهنگی طه - دانشگاه قم، ۱۳۸۰، ص ۸.

<sup>۳</sup> محمدصفر جبرئیلی، **کتاب‌شناسی شناخت**، نامه مفید، شماره ۹، ۱۳۷۶، ص ۲۲۷؛ مرتضی مطهری، **مجموعه آثار**، ۱۳۷۷، قم و تهران، صدرا،

ج ۱۳، ص ۳۴۲-۳۴۳.

<sup>۴</sup> همان.

<sup>۵</sup> سید محمد حسین موسوی **مبلغ شناخت در قرآن از نگاه شهید مطهری**، پژوهش‌های قرآنی (ویژه شهید مطهری)، شماره ۱۷-۱۸، ۱۳۷۸،

ص ۱۷-۱۸.

معرفت‌شناسی و نگارش آثار مستقلی در این حوزه، مرحله‌ای جدید در معرفت‌شناسی اسلامی ایجاد کردند.<sup>۱</sup>

می‌توان گفت معرفت‌شناسی در مغرب زمین از شک‌گرایی آغاز شد<sup>۲</sup> و در نهایت به نسبت‌گرایی رسید که در این مسیر، مباحث شناخت‌شناسی را ابتدا جزء پیش‌فرض‌های ناگفته قرار می‌دادند، سپس این مسائل را به صورت پراکنده گویی‌ها و بعد از آن هم در قالب تک‌نگاره‌ها عرضه کردند تا این که در قرن نوزدهم و بیستم نگاه استقلال‌گرایانه به دانش معرفت‌شناسی انداخته شد.<sup>۳</sup>

برخلاف نوسانات و بحران‌هایی که برای فلسفه‌ی غربی به ویژه در زمینه شناخت‌شناسی پیش آمده به طوری که بعد از گذشت بیست و پنج قرن از طول عمر آن هنوز هم نه تنها بر پایگاه محکم و استواری دست نیافته، بلکه می‌توان گفت پایه‌هایش لرزان‌تر هم شده است، بر عکس فلسفه‌ی اسلامی همواره از موضع نیرومند و استواری برخوردار بوده و هیچ‌گاه دستخوش تزلزل و اضطراب و بحران نگردیده است و با این که گاهی گرایش‌های مخالفی در کنار آن به وجود آمده و گه‌گاه فلاسفه اسلامی را درگیر کرده، اما پیوسته موضع قاطع ایشان مبنی بر اصالت عقل در مسائل متافیزیکی کاملاً محفوظ بوده و بدون این که از ارج تجارب حسی بکاهند و اهمیت به کارگیری روش تجربی را در علوم طبیعی انکار کنند بر استفاده از متد تعقلی در حل مسائل فلسفی تأکید داشته‌اند و برخورد با گرایش‌های مخالف و دست و پنجه نرم کردن با منتقدان و جدل‌پیشگان، نه تنها سستی و ضعفی در ایشان پدید نیاورده بلکه بر نیرو و توان‌شان افزوده است.

---

<sup>۱</sup>. مرتضی مطهری، **مجموعه آثار**، ج ۱۳، ص ۳۴۲.

<sup>۲</sup>. محمدصفر جبرئیلی، **کتاب‌شناسی شناخت**، نامه مفید، شماره ۹، ۱۳۷۶.

<sup>۳</sup>. فردریک کاپلستون، **تاریخ فلسفه**، سید جلال‌الدین مجتوی، ج ۱، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، ص

## ۴-۱ اهمیت و ضرورت پژوهش

شناخت‌شناسی را می‌توان پایه و اساس سایر علوم، بشری دانست؛ چرا که تمام علوم، پیش از تحقیق و پژوهش، وجود واقعیت، امکان دست‌یابی به واقعیت، خطاپذیری حواس و... را می‌پذیرند. این در حالی است که تمام پیش‌فرض‌های موجود، باید در علم معرفت‌شناسی ثابت شوند.

در تاریخ تفکر انسان، فراز و فرودهای فراوانی وجود دارد که هر کدام زاینده‌ی نوعی اندیشه‌اند؛ بدین معنا که گاهی نوعی اندیشه‌ی آزاد، روشن، آینده‌نگر و جامع، عامل پیدایش تمدن، پیشرفت، رشد و بالندگی جامعه‌ی انسانی و تعالی مناسبت‌های اجتماعی و حتی سیاسی انسان‌ها شده است. در مقابل، برخی تفکرها موجب انحطاط، تشنج، شکست و سقوط بعضی جوامع انسانی شده است، بدین خاطر پرداختن به مسأله معرفت‌شناسی و معیار شناخت یکی از ضرورت‌های جامعه بشری به شمار می‌رود، تا در پرتو آن باعث رشد و شکوفای هر چه بیشتر استعدادهای انسان‌ها باشیم.

استاد مطهری دلیل اهمیت و ضرورت پرداختن به شناخت‌شناسی را این‌گونه تبیین می‌کنند:

که چون دنیا، دنیای مکتب و ایدئولوژی است و مکتب و ایدئولوژی بر پایه‌ی جهان‌بینی است و جهان‌بینی بر پایه‌ی شناخت است؛ پس مسأله‌ی شناخت‌شناسی دارای اهمیت و ارزش بالایی است.<sup>۱</sup>

بنابراین جهان اسلام برای رسیدن به پیشرفت و تعالی، باید مبانی معرفتی و نوع اندیشه خویش را آسیب‌شناسی و تصحیح کند. هم‌چنین باید بتواند از مبانی معرفتی صحیح فلسفه‌های غربی بهره‌برد و اصول سقیم معرفتی آنان را بشناسد تا دچار خطا و تباهی نگردد. براساس این دستیابی به شناخت صحیح در تمام لحظات زندگی انسان، موثر بوده و در رسیدن انسان به سعادت حقیقی مفید است.

## ۵-۱ سوال‌های اصلی پژوهش

هر پژوهشی با یک سری پرسش‌های شروع می‌گردد، سؤال‌های هر پژوهش ما را در بسط و تعمیق آن اثر یاری می‌کنند و تا زمانی که برای محقق این سؤال‌ها به وجود نیایند، پرداختن به آن پژوهش، فاقد معنا خواهد بود. در این راستا ما در پژوهش حاضر قصد پاسخ‌گویی به پرسش ذیل را داریم:

معیار شناخت از نظر صدرالمتهلین و دکارت چیست؟

<sup>۱</sup> مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۳، ص ۳۴۲؛ همو، انسان و ایمان، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵، ص ۲۱.

از این پرسش کلی، اصلی، پرسش‌های جزئی و فرعی نیز استخراج می‌شود که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- نظریه صدرالمتهین در بحث شناخت شناسی چیست؟
- ۲- نظریه صدرالمتهین در بحث معیار شناخت چیست؟
- ۳- نظریه دکارت در بحث شناخت شناسی چیست؟
- ۴- نظریه دکارت در بحث معیار شناخت چیست؟
- ۵- نظریه صدرالمتهین و دکارت در بحث معیار شناخت چیست؟

## ۶-۱ فرضیه‌های پژوهش

هر پژوهشی جهت رسیدن به نتیجه، بر اساس فرضیه‌ای استوار است که این فرضیه، نقش پاسخ موقتی و ابتدایی به فرایند پژوهش را دارا است. نگارنده در پژوهش موجود، معتقد است فرضیه‌ی ما مبتنی بر آن است که صدرالمتهین و دکارت در حوزه‌ی معیار شناخت‌شناسی، دیدگاه‌های نزدیک به هم دارند، اما فرازونشیب‌های قابل توجهی نیز بین نظراتشان یافت می‌شود.

## ۷-۱ سابقه و پیشینه پژوهش

در باب معرفت‌شناسی تحقیقات و مقالاتی مانند: ۱. پایان‌نامه‌ی با موضوع، معرفت از دیدگاه دکارت نویسنده، سید حسین کاظمی، تاریخ دفاع ۱۳۸۶/۱۲/۲۲. ۲. پایان‌نامه‌ی با موضوع، معرفت‌شناسی از دیدگاه ابن‌سینا و دکارت، نویسنده، ایران‌دانا فرد، تاریخ دفاع سال ۱۳۸۴. ۳. پایان‌نامه‌ی با موضوع، مقایسه معرفت‌شناسی حکمت متعالیه و مکتب دکارت با تاکید بر شکاکیت، نویسنده عباس یوسفی، تاریخ دفاع سال ۱۳۹۰ است. نکته حائز اهمیت این است که در آثار علمی فوق، فقط نظریه‌ی شناخت‌شناسی دکارت مطرح گردیده و بیان معیار شناخت از نظر دکارت مطرح نگردیده است و در هیچ کدام از این آثار به بحث شناخت از نظر صدرالمتهین و معیار شناخت از نظر صدرالمتهین پرداخته نشده است، و هیچ پژوهش به صورت تطبیقی به بیان مساله معیار شناخت از نظر صدرالمتهین و دکارت، پرداخته است.